

ماهیت حقوقی قراردادهای رحم جایگزین

حمید رضا صالحی^۱

چکیده

ناباروری یکی از مشکلات خانواده‌ها در اقصی نقاط گیتی است. یک راه حل برای این معضل استفاده از رحم جایگزین است. امروزه در اثر پیشرفت علم طب، حرف پزشکی و وابسته در امر تولید مثل، شیوه‌های متعددی را ایجاد و با استمداد از این طرق، اقدام به تولیدمثل از طریق آزمایشگاه نموده‌اند. مع الوصف، علی‌رغم این پیشرفت هنوز طب تولید مثل قادر نیست برای رشد جنین محیط مناسب‌تری از رحم در نظر بگیرد و به همین دلیل یکی از دستاوردهای مهم در زمینه روش‌های کمک باروری، استفاده از رحم جایگزین است. این روش یکی از روش‌های کمک باروری در تولید مثل با روش IVF^۱ است. استفاده از این روش محدود به زنان فاقد رحم نیست و در موارد متعددی کاربرد دارد. ابهام در ماهیت قرارداد رحم جایگزین یکی از موانع اجرای این قرارداد است؛ در نتیجه تشخیص ماهیت این قرارداد دارای اهمیت زایدالوصفی است. این پدیده مانند هر امر نوظهور دیگری که در جامعه حادث می‌شود توجه و تدقیق علوم مختلف از جمله فقه و حقوق را به خود جلب نموده است. در مورد ماهیت این قرارداد هیچ نص قانونی وجود ندارد، فلذا برای تعیین ماهیت این قرارداد باید به اصول کلی حقوقی و منابع فقهی در شناسایی نوع و ماهیت اعمال حقوقی مراجعه کرد. قرارداد رحم جایگزین مشتمل بر سه طرف است، مرد و زنی که به عنوان زوجین نابارور مادر جانشین را به خدمت گرفته‌اند، و مادر جانشین که تراضی می‌کند تا از طریق باروری طبی و با جنین زوجین حامله شود. به طور معمول مادر جانشین در قبال مبلغی پول می‌پذیرد تا جنین را حمل نموده و بعد از زایمان به زوجین تحویل دهد. زوجین نابارور توافق می‌کنند تا علاوه بر مخارج پزشکی و امثال ذلک مبلغی را به مادر جانشین تأدیه نمایند. به علاوه زوجین نابارور به

۱- پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

موجب قرارداد، متقبل حضانت طفل نیز می‌شوند. شروط دیگری که ممکن است در قرارداد رحم جایگزین لحاظ شود عبارت است از: تعهد مادرِ جانشین مبنی بر عدم ادعای رابطهٔ خویشاوندی با طفل، اشتراط شروطی از قبیل ترک استعمال مواد دخانی و مخدر، عدم مصرف مشروبات الکلی، عدم استفاده از بعضی اغذیه و یا حتی عدم مجامعت با زوج خویش در دوران حاملگی. به نظر می‌رسد ماهیت این قرارداد در قالب عقود معین، مانند اجاره، عاریه، جعاله و امثال ذلک نمی‌گنجد و بر اساس مادهٔ ۱۰ قانون مدنی می‌تواند مقبول واقع شود. مع الوصف همهٔ آثار قرارداد بر اساس ارادهٔ طرفین نمی‌تواند تعیین شود و برخی آثار قهری بر آن مترتب می‌شود. مهم‌ترین اثر، قرابت و نسب حاصل از قرارداد است که به صورت قهری و غیر ارادی حاصل می‌شود. در این وجیزه با نگاهی مقارنه‌ای به مقایسه این قرارداد با عقود دیگر پرداخته و ماهیت آن تبیین و قالب حقوقی مناسب برای این قرارداد ارائه شده است.

واژگان کلیدی: قرارداد رحم جایگزین، اجاره، جعاله، قرارداد کار، صلح، عقد غیر معین.

مقدمه

در ره دوست جلوه‌هاست تازه به تازه نو به نو صاحب شوق و آرزو دل ندهد به کلیات^۲

الف- کلیات و تعاریف: یکی از اهداف ازدواج توالد است که در عین تداوم نسل بشر، موجب بقای زندگی شده و آرامش روانی را تا حدودی در محیط خانوادگی مهیا می‌نماید. ناباروری در جامعه ایرانی در عداد عوامل خمسه اصلی در طلاق محسوب می‌شود که تبعات سوء آن دامنگیر جامعه بوده که علاوه بر اضمحلال و به سردی گراییدن بنیاد ثمین خانواده، خسارات هنگفت مادی و معنوی را به جامعه تحمیل نموده است. با پیشرفت فناوری در علم طب، استفاده از رحم جایگزین فرصتی مغتنم است که به مدد آن زوجین نابارور می‌توانند جنین حاصل از تلقیح تخمک و اسپرم در محیط آزمایشگاهی را به رحم زن دیگری انتقال دهند که حسب توافقات، مستعد رشد و پرورش جنین است و متعهد می‌شود که بعد از تولد فرزند حاصل از این فرآیند، آن را به والدین ژنتیکی تحویل نماید. (گرگی، محمدنژاد داریانی، ۱۳۹۰، ص ۳۳)

حمل جایگزین به فرآیندی اطلاق می‌شود که از طریق آن، یک زن، جنین یک زوج یا شخص دیگری را حمل نموده و نهایتاً تحویل آن‌ها می‌دهد. حامل ممکن است همان مادر ژنتیک جنین باشد که در این صورت این نوع شیوه کمک باروری حمل جایگزین ساده نامیده می‌شود و یا می‌تواند حامل نطفه‌ای باشد که هیچ‌گونه رابطه ژنتیکی با او ندارد و به رحم او منتقل می‌شود که این نوع دوم را حمل جایگزین می‌نامند. در صورتی که نطفه انتقال یافته از ترکیب سلول‌های جنسی زن و مردی حاصل شده باشد که با هم علقه زوجیت دارند، حمل جایگزین مقید به قید ساده خواهد بود. (آذین، ۱۳۹۰، ص ۲۲) مبرهن است که با ملحوظ قراردادن شبهات معقول و جدی که در خصوص امکان تلقیح گامت‌های اجنبی

وجود دارد آنچه در نظام فقهی و حقوقی ما امکان طرح دارد همین حمل جایگزین ساده و نوع دوستانه است که وجیزه مزبور نیز تبعاً ناظر به همین نوع می‌باشد. (صالحی، ۱۳۹۰ الف، صص ۱۳۶-۱۴۰) البته در کشورهای غربی نیز اکثریت موافقان بحثشان ناظر به قراردادهای نوع دوستانه رحم جایگزین می‌باشد و قراردادهای رحم جایگزین تجاری اگر چه در بعضی از کشورها اجرا می‌شود اما اکثریت حقوق دانان و اخلاقیون نسبت به آن مخالفت شدیدی ابراز داشته‌اند.^۳ (استینسی، ۱۹۹۳ م، صص ۵-۶)

۱) ضرورت‌های انجام درمان از طریق رحم جایگزین

جز به اندازه ضرورت زین مگیر تا نگردد غالب و بر تو امیر^۴

الحق که ظهور هر نوآوری در حوزه علوم بشری به‌سان نسیمی می‌ماند که با دمیده شدنش آتش مجادلات نظری در باب نسبت‌سنجی میان دین و علم و واقعیت و تباینات و تعارضات محتمل را که در زیر خاکستر زمان خفته است برافروخته می‌سازد. (ذاکر حسین، ۱۳۹۰، ص ۴۰). در مواردی که زوجه رحم ندارد مثل موارد مادرزادی عدم وجود رحم یا مواردی که به دنبال سرطان رحم و خون‌ریزی‌ها در زوجه هیستریکتومی انجام شده باشد و هم‌چنین در مواردی نیز علم طب به عنوان یک راه‌حل، استفاده از رحم جایگزین را پیشنهاد نموده است در حالی که ضرورت موارد فوق‌الذکر موجود نبوده است. معمولاً بعد از ۶ تا ۸ سیکل IVF و انتقال جنین و شکست آن‌ها، رحم جایگزین توصیه می‌شود. در مواردی که سقط‌های مکرر وجود داشته باشد؛ و هم‌چنین در مواردی که مشکلات طبی شدید در زوجه با حاملگی ایجاد شود نظیر بانوانی که نارسایی قلبی یا کلیوی دارند. (شیوا، ۱۳۹۰، ص ۶۳) نتایج برخی تحقیقات نشان می‌دهد که از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا

آبان ۱۳۹۰ تعداد مراجعین داوطلبان درمان رحم جایگزین به واحد مددکاری مرکز درمان ناباروری رویان ۱۰۶ زوج بوده و تعداد داوطلبین رحم جانشین ۷۸ مورد بوده است. (وئوق و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۶۴).

بنا به گزارش WHO ۱ الی ۱۵ درصد از زوج‌های جهان با مشکل ناباروری مواجه هستند. درمان‌های کمکی تولید مثل به دو گروه کلی لقاح خارج رحمی و لقاح داخل رحمی تقسیم می‌شود که بسته به خصائص جسمانی زوجین نابارور و میزان سلامت گامت‌ها و پیشرفت ناباروری، هر یک از آن‌ها تنها به گروهی خاص از زوجین نابارور پیشنهاد می‌شود. از جمله روش‌های کمک باروری، استفاده از رحم جایگزین^۵ است که بر اساس وجود یا عدم وجود ارتباط ژنتیکی میان مادر جایگزین و کودک به چند دسته تقسیم می‌شوند. رایج‌ترین آن‌ها جانشینی کامل است که در آن به وسیله لقاح آزمایشگاهی از تخمک و اسپرم زوجین، جنین تشکیل می‌شود حال آن‌که میان این زن و جنین موجود در رحم او هیچ اشتراک ژنتیکی شناخته شده‌ای موجود نیست. (نظری توکلی، کراچیان ثانی، ۱۳۹۰، ص ۴۷).

در حال حاضر حدود ۲/۵ میلیون زوج نابارور در ایران وجود دارند که نیازمند درمان هستند و با عنایت به اینکه حداقل ۱۵٪ زوج‌های کشور نابارور هستند و با در نظر گرفتن حداقل ۷۰۰/۰۰۰ هزار ازدواج با بیش از یک سال از زندگی مشترک که در سال رخ می‌دهد می‌توان انتظار داشت که در صورت عدم توجه به پیش‌گیری و درمان سالانه حدود ۱۰۰/۰۰۰ نفر به این جمعیت اضافه خواهند شد. ایران اسلامی امروزه از جهت درمان زوج‌های نابارور از موقعیت نسبتاً خوبی برخوردار است به نحوی که نه تنها درمان بیش از ۹۰٪ زوج‌های نابارور در داخل کشور انجام می‌شود، بلکه تعداد معتابیهی از زوج‌های نابارور سایر کشورها خصوصاً کشورهای همجوار جهت دریافت خدمات درمانی به ایران سفر می‌کنند.

(پوررحیمی، مصدق، ۱۳۹۰، صص ۴۹-۵۰)

۲) لزوم انتخاب عنوان صحیح و واقع بینانه

هست آن عنوان چو اقرار زبان متن نامه سینه را کن امتحان^۶

قرارداد رحم جایگزین، تحت عناوین متعددی از قبیل: رحم میانجی، مادر اجاره‌ای، دایگی قبل از تولد، بارداری میانجی، مادر سفارشی، رحم جایگزین، مادر جانشین، اجاره رحم، بارداری قراردادی و... مصطلح شده است. (گرسز، ۱۹۸۴م، صص ۱۰۷-۱۱۴)

با ملحوظ قرار دادن این که مسمی نمودن هر پدیده‌ای نمودار ارزشی ما نسبت به آن پدیده است و اسامی از دیرباز بار عاطفی و ارزشی داشته‌اند و در تمامی عرصه‌های حیات مادی و معنوی بشر و جوامع انسانی صادق و حاکم بوده است از نظر راقم این سطور، عنوان قرارداد رحم جایگزین ارجح است. قید اجاره‌ای یا کرایه‌ای در فرهنگ شرقی و اسلامی ما مذموم است و با کرامت ذاتی انسان نیز در تباین است. (صالحی، عباسی، ۱۳۹۰ و ۲۰۱۲؛ صالحی، ۲۰۱۳، ص ۱۳۵). ضمن اینکه سبب ابزار انگاری زنان خواهد شد و تبادل عرفی آن معنایی تجاری و نه چندان خوشایند می‌باشد. مضافاً بر این که استعمال لغات جایگزین و جانشین ترجمانی دقیق‌تر از ریشه لاتین آن می‌باشد.^۷ اما این که برخی خواسته‌اند با دلایل عمدتاً احساسی و نه چندان قویم و بدون ملحوظ قرار دادن بار حقوقی که بر هر لغت بار می‌شود عنوان مادر جانشین را پیشنهاد کرده‌اند خالی از ایراد نخواهد بود. اینان در توجیه و تعلیل نظر خویش اظهار داشته‌اند که: «بارداری به نقش مکانیکی یک «رحم» تقلیل پذیر نیست. زن باردار با تمام اجزای بدن خود و با قلب و روح خود در فرزندآوری مشارکت می‌کند. فرآیندی که به حق او را شایسته عنوان زیبا و فخیم «مادر» می‌سازد. به همین علت او حق دارد که همواره به عنوان مادر دوم فرزند حاصله شناخته شود نه به عنوان ابزاری انکوباتور مانند که کرایه آن پرداخته شده است». (آرامش، ۱۳۹۰،

(ص ۱۷)

البته در این که نباید نقش زن و مادری در جامعه تنزل پیدا کند ما نیز با نویسنده محترم همداستانیم اما این که بخواهیم با تسامح نه چندان مقبول، عنوان مادری را به صاحب رحم نیز تسری دهیم خالی از وجه خواهد بود و نه تنها مشکلی حل نخواهد شد بلکه سبب تزیاید مشکلات ناشی از این تسمیه غیر واقع بینانه نیز خواهیم شد، زیرا در عالم حقوق هر کلمه معنای خاص و بالتبع آثار مخصوص به خود را دارد و نمی توان برای خوش آمد برخی و کف زدن برای ما لغات را جابه جا کرد که این کار علاوه بر مشکلات فوق الذکر سبب وهن ادبیات حقوقی ما نیز خواهد شد. جالب است که حتی در قراردادهای نمونه رحم جایگزین کشورهای خارجی نیز توجه بدین مطلب شایان توجه است.^{۹۸} مضافاً بر این که اندکی واقع گرایی نیز گواهی صادق بر صحت مدعای مارالذکر خواهد بود؛ زیرا بر خلاف اعصار سابق، در حال حاضر عمدتاً زنانی که برای انجام چنین امری حاضر می شوند عمده دلیلشان مشکلات مالی است. (استوهماک، ۱۹۹۵م، صص ۱۱۷-۱۱۸؛ پارکر، ۱۹۸۳).

در حال حاضر تعداد خواهر و دوست قدیمی و زن همسایه و دیگرانی که سابقاً تبرعاً و برای جلوگیری از طلاق زوجین صاحب گامت و یا برای تحکیم زندگی آنها داوطلب انجام این فرآیند می شده اند بسیار کم رنگ شده است. (هولدر، ۱۹۸۴م، صص ۱۱۵-۱۱۷). ضمن این که نقش و اثر نام «مادر» بر دیگران بسیار ژرف است و این دیگران از زوجین نابارور گرفته تا گروه طبی و مددکاری و زن صاحب رحم و... را شامل می شود و به دلایل اجتماعی و آثار روانی آن می تواند مخرب باشد و به دلیل بار عاطفی آن به هیچ وجه مناسب به نظر نمی رسد. (دیویس، براون، ۱۹۸۴، صص ۱۲۹-۱۳۰؛ شیرآقایی کوتنایی، فانی صابری، ۱۳۹۰، ص ۹۶)

هزار نکته باریک تر ز مو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند^{۱۰}

از طرف دیگر به نظر می رسد عنوان مادری عنوانی شرعی و قانونی است که

بایستی مثل سایر موضوعات شرعی و قانونی از طرف مقنن تبیین شود. البته مسلم است که این تبیین نبایستی با دیگر احکام شرعی مسلم‌فیه در تباین باشد. فلذا شایسته است که مقنن، عنوان مادری را در مسأله متنازع‌فیه بر صاحب گامت اطلاق و محصور نماید زیرا قصد و انشای طرفین قرارداد رحم جایگزین نیز به همین منوال بوده است. (آیتی، راسخ، ۱۳۹۰، ص ۲۱) فی‌الواقع این صاحبان گامت هستند که قصد بچه‌دار شدن و تربیت و تعالی او را دارند و صاحب رحم را حتی مسامحتاً نیز نمی‌توان در حکم مادر رضاعی نامید و به جهت اجتناب از قیاس باطل که رهنز راه است حداکثر می‌توان او را مادر رحمی نامید که عمدتاً به جهت پاسداشت و نکوداشت وی می‌باشد.

ب: نظریات عقد معین بودن قرارداد رحم جایگزین

در خصوص ماهیت قرارداد رحم جایگزین اختلاف نظر کثیری وجود دارد. بعضی معتقدند که این قرارداد نوعی قرارداد اجاره شخص یا قرارداد کار است. (بانرجی، باسو، ۲۰۰۸م). بعضی از حقوق‌دانان این قرارداد را ماهیتاً یک قرارداد خصوصی موضوع م. ۱۰ ق.م می‌دانند و در نهایت گروهی اعتقاد دارند که بر اساس اصل آزادی قراردادی، اشخاص آزادند تا هر یک از قالب‌های حقوقی اعم از عقود معین یا نامعین را برای موضوع جانشینی در بارداری انتخاب کنند. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۶، ص ۴۳۹). در این مقاله به تبیین دلایل موافقان و مخالفان نظریات مطروحه و نهایتاً به ارائه نظریه منتخب پرداخته شده است. بناءً علی‌هذا در بخش دوم مقاله به تبیین نظریات عقد معین بودن قرار داد رحم جایگزین و در بخش سوم به بررسی نظریه عقد غیر معین بودن قرارداد رحم جایگزین پرداخته شده است.

۱) عقد بیع بودن قرارداد رحم جایگزین

جان فروشی به یکی مشتی خاک این چه بیع است بدین ارزانی^{۱۱}

از جمله دلایلی را که می‌توان در جهت تمایز عقد بیع و قرارداد رحم جایگزین بیان کرد این است که عقد بیع عقدی تملیکی و معوض است حال آن‌که قرارداد رحم جایگزین عهدی بوده و فقط در بعضی از موارد (عمدتاً در نوع تجاری) معوض است. مضافاً این‌که موضوع عقد بیع باید عین معین یا کلی باشد، در حالی‌که موضوع قرارداد رحم جایگزین تعهد به نگه‌داری و پرورش جنین است و در این قرارداد تملیک عین منتفی است. (رحمانی منشادی، ۱۳۸۷)

۲) عقد اجاره اشیاء بودن قرارداد رحم جایگزین

عقد اجاره اشیاء به استناد م. ۴۶۶ ق.م.عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره است. از آن‌جا که موجر به موجب عقد اجاره، منفعت عین مستأجره را به مستأجر تملیک می‌کند، موجر باید در حین عقد مالک آن منفعت باشد زیرا تملیک به وسیله غیر مالک، فضولی و غیر نافذ است. حال باید دید آیا حقی که انسان نسبت به اندام و اعضای بدن و یا منافع آن‌ها دارد از نظر حقوقی حق مالکیت است؟ آیا بشر را می‌توان مالک اعضاء بدن و منافع آن‌ها دانست؟ یکی از عناصر مهم حق مالکیت قابلیت انتقال و تفویض است که در مورد حق شخص بر اعضاء و جوارحش صادق نیست زیرا طبعاً قابل انتقال به غیر نمی‌باشد. از طرفی حق مالکیت دارای دایره شمول وسیعی است حال آن‌که حق موردنظر از حقوق مربوط به شخصیت و اصولاً دارای محدودیت است و قابل نقل و انتقال و اسقاط نیست. اگرچه مادر جانشین صلاحیت انتفاع از اعضاء خود را دارد، مع الوصف نمی‌تواند این حق را که از حقوق مربوط به شخصیت است به نحوی از

انحاء به سایرین انتقال دهد که اشخاص دیگر جانشین وی در حق و سلطه او بر اندامش شوند. در نتیجه، مادر جانشین حق ندارد دیگری را مالک منافع اعضاء بدن خود کند. اگرچه در حقوق کنونی انسان می‌تواند در برابر دیگری ملتزم به انجام فعلی شود (اجاره اشخاص) ولی حق ندارد دیگری را به عنوان مالک بر خود مسلط کند؛ سلطه‌ای که مالک منفعت بر عین مستأجره دارد در مورد انسان عملی نیست. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۵۶۸)

اجاره اشياء عقدی معوض و تملیکی است که در اثر آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود در حالی که در قرارداد رحم جایگزین بر اثر قرارداد، زوجین نابارور به عنوان مستأجر مالک زن صاحب رحم یا منافع رحم او نمی‌شوند؛ بلکه مادر جانشین متعهد می‌شود تا جنین زوجین نابارور را در رحم خود پرورش دهد. ایراد دیگر آن است که انسان و اعضاء بدن او مال محسوب نمی‌شوند در حالی که موضوع عقد اجاره اشياء منفعت مال معین است. (حمزه، ۲۰۰۱م، ص ۲۶) بعضی از فقهای عظام نیز به این امر اشاراتی داشته‌اند که قرارداد رحم جایگزین اجاره اشياء نیست. از طرف دیگر به استناد م. ۴۷۶ ق.م موجر باید عین مستأجره را تسلیم مستأجر کند. با تتبعی اجمالی در مفاد قرارداد رحم جایگزین به خوبی مشخص می‌شود که تسلیم به آن معنایی که در اجاره اشياء مورد نظر است در مورد قرارداد رحم جایگزین و اعضاء بدن قابل تصور و اجرا نیست.

۳) عقد اجاره اشخاص بودن قرارداد رحم جایگزین

دو اشکال عمده بر این نظریه وارد است: اولاً در اجاره اشخاص، تسلیم منفعت با انجام دادن کار موضوع تعهد و تسلیم کالای مصنوع میسر می‌شود و اگر موضوع تعهد قبل از آن تلف شود، اجیر حقی بر اجرت ندارد. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۱، ش

(۴۲۱) لکن در قرارداد رحم جایگزین در صورتی که طفل قبل از تولد سقط شود، نمی‌توان بر اساس قواعد اجاره اشخاص مادر جانشین را مستحق اجرت ندانست، زیرا او به تعهد خود مبنی بر نگهداری از جنین عمل کرده و رسیدن به نتیجه مقصود از حد توان او خارج می‌باشد. مضافاً بر این که مستحق ندانستن مادر جانشین بر اجرت در این مورد با وجود مشقت زیادی که او در این راه متحمل شده است، عادلانه به نظر نمی‌رسد. ثانیاً قرارداد رحم جایگزین متشکل از مجموعه‌ای از تعهدات است به نحوی که نمی‌توان کلیه این تعهدات را ناشی از عقد اجاره اشخاص دانست. به عبارت دیگر، با تحلیل مفاد قرارداد رحم جایگزین مستنتج می‌شود که تنها بخشی از تعهدات آن‌را می‌توان به اجاره اشخاص مرتبط کرد و در این عقد، آثار عقود دیگر مانند، ودیعه جنین، هبه منفعت (در مورد قرارداد رحم جایگزین نوع دوستانه)، اجاره مادر جانشین (در نوع تجاری) قرارداد رضاع، بیع یا اهدای اسپرم، تخمک و جنین نیز وجود دارد که الحاق این قرارداد را به اجاره اشخاص دشوار و بلکه ممتنع می‌سازد. به علاوه، این اشکال در مواردی که در روش رحم جایگزین، از اسپرم، تخمک یا جنین دیگری استفاده می‌شود، بیش‌تر جلوه می‌کند؛ چنان‌چه بعضی از نویسندگان صریحاً به این امر اشاره کرده‌اند. (جعفرزاده، ۱۳۷۸، ص ۳)

۴) عقد جُعّاله بودن قرارداد رحم جایگزین

این نظریه نیز بنا به دلایلی چند ممتنع است؛ اولاً مستنداً به م. ۵۶۷ ق.م در جعّاله، عامل وقتی مستحق جُعّال می‌گردد که متعلق جعّاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد. در این صورت مادر جانشین زمانی می‌تواند اجرت عمل را دریافت کند که طفل را تحویل داده باشد و این موضوع با توجه به این که طی دوران بارداری

مستلزم پرداخت مخارجی است که باید تأدیه شود، نتیجتاً این مخارج به مادر جانشین تحمیل می‌گردد. ثانیاً در عقد جعاله، مخارجی که برای انجام عمل مورد جعاله لازم است به عهده عامل (مادر جانشین) می‌باشد مگر آن که عرف محل یا اراده طرفین خلاف آنرا شرط کنند، زیرا عامل تعهد به انجام عمل مورد جعاله نموده و تعهد برای هر امری تعهد بر لوازم آن نیز است و یکی از لوازم آن پرداخت مخارج انجام عمل است. مع‌هذا مهم‌ترین ایرادی که سبب می‌شود تا استفاده از جعاله در موضوع جانشینی ممتنع شود، این است که جعاله عقدی جایز است و جاعل و عامل می‌توانند هرگاه بخواهند و بدون نیاز به دلیل موجه و مشروع آنرا بر هم بزنند حال آن‌که پایبندی طرفین قرارداد رحم جایگزین به تعهدات خویش بسیار حایز اهمیت است. (صالحی، ۱۳۹۰، ص ۹۴؛ رحمانی منشادی، ۱۳۸۷) در نمونه قراردادهای رحم جایگزین پژوهشگاه رویان که به تصویب کمیته اخلاق پزشکی این مؤسسه نیز رسیده این امر به وضوح مشهود است. (مندرج در مجموعه چکیده مقالات همایش، ۱۳۹۰، صص ۱۶۳-۱۶۸). ضمن این که ماهیت تعهدات عامل در عقد جعاله نیز عمدتاً از نوع تعهدات به نتیجه است در حالی که پذیرش این امر در قرارداد رحم جایگزین متعسر است. (صالحی و همکاران، ۱۳۸۹؛ صالحی، عباسی، ۱۳۹۰؛ صالحی، ۱۳۸۹؛ عباسی و همکاران، ۲۰۱۱).

۵) عقد ودیعه بودن قرارداد رحم جایگزین

ودیعه‌ای است سعادت که رایگان بخشند درین معامله ارزانی و گرانی نیست^{۱۲} مقتضی و ذات ودیعه «سپردن مالی به دیگری برای نگه‌داری» است و این که گیرنده مال آنرا حفظ کند و با اولین مطالبه صاحبش عودت دهد. به همین جهت اگر معلوم شود در عقدی مقصود اصلی طرفین نگه‌داری مال نیست، رابطه آن‌ها تابع قواعد مربوط به ودیعه نخواهد بود. (کاتوزیان، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۱۱) در قرارداد

رحم جایگزین، نگهداری از نطفه به عنوان جهت اصلی عقد و قصد مشترک طرفین قرارداد مطمح نظر نیست. عمل سپردن جنین به منظور پرورش آن در رحم انجام می‌گیرد نه برای نگهداری و مسلم است که مادر جانشین نیز به قصد پرورش جنین در رحم آن را می‌پذیرد نه این که از آن نگهداری کرده و هر وقت مورد مطالبه قرار گرفت عودت دهد هر چند که به عنوان لازمه تعهد اصلی، جنین به مادر جانشین به امانت سپرده می‌شود. (نایب‌زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶) از طرفی ودیعه عقدی جایز است در حالی که لزوم قرارداد رحم جایگزین با توجه به خصوصیات خاص خود مقتضای نظم عمومی و اخلاق حسنه است در نتیجه ودیعه بودن قرارداد رحم جایگزین را می‌توان مخالف نظم عمومی تلقی کرد.

اگر چه می‌توان مدعی آن بود که ودیعه جنین نزد مادر جانشین جزء مفاد قرارداد رحم جایگزین است، مع الوصف این امر به عنوان هدف اصلی و قصد مشترک طرفین در این قرارداد نیست، بلکه نگهداری از جنین لازمه قصد طرفین در پرورش جنین است، در نتیجه اگرچه مقررات امانت از جمله عدم ضمانت مادر جانشین در صورت عدم تعدی و تفریط در قرارداد رحم جایگزین نیز مجری است، لکن ماهیت این قرارداد را تشکیل نمی‌دهند. به همین دلیل است که در قراردادهای نمونه پژوهشگاه رویان آمده است: «هرگونه مرگ یا عیب جنین در صورتی که ناشی از تقصیر یا عمد حامل نباشد مسقط پاداش موضوع بند ۲-۱-۳ نخواهد بود». (مندرج در مجموعه چکیده مقالات همایش، ۱۳۹۰، ص ۱۶۷)

ج: نظریه عقد غیرمعین و مطالعه تطبیقی قرارداد رحم جایگزین

۱) عقد نامعین بودن قرارداد رحم جایگزین

قرارداد رحم جایگزین که در اثر توافق طرفین منعقد می‌شود در صورتی که با

هیچ یک از عقود معین در قانون منطبق نباشد، می‌توان آن را بر اساس م. ۱۰ ق.م. پذیرفت. وفق این ماده ضرورتی نیست که برای ایجاد تعهد، توافق اشخاص به صورت یکی از عقود با نام و معین در قانون باشد. این موضوع دربارهٔ جانشینی در بارداری در مواردی که مانع شرعی یا قانونی نسبت به انجام دادن آن وجود ندارد نیز مصداق می‌یابد و اشخاص علی‌الاصول می‌توانند دربارهٔ آن به صورت قراردادی خصوصی که در قانون عنوان و صورت خاصی ندارد، با یکدیگر توافق و راساً شرایط و آثار آن را طبق قواعد عمومی قراردادها و اصل حاکمیت اراده تا حدی که به اخلاق حسنه و نظم عمومی لطمه‌ای نزنند تعیین و تحدید نمایند. (صالحی، ۱۳۹۰، ص ۱۲۱؛ الحیاری، ۱۴۲۹؛ ص ۸۳؛ الجمیلی، ۱۴۳۰، ص ۱۸۷)

از جمله نتایج اصل آزادی قراردادی این است که اشخاص می‌توانند قرارداد را با هر عنوان که مایل باشند منعقد نمایند و نتایج و آثار آن را به دلخواه تعیین کنند. مضافاً بر این که اصل حاکمیت اراده مقتضی آن است که در تفسیر قرارداد به آنچه متعاقدين صریحاً یا ضمناً اراده کرده‌اند توجه شود. قاطبهٔ نویسندگان و حقوق‌دانان نیز این نظر را مقبول دانسته‌اند که قرارداد رحم جایگزین، یک قرارداد خصوصی پذیرفته شده بر اساس م. ۱۰ ق.م. است. در میان حقوق‌دانان دیگر کشورها نیز این نظریه طرفداران کثیری دارد. (عبدالرحیم مهران، ۲۰۰۲م، ص ۶۱۳؛ ممتو، ۲۰۰۱م، برناردو؛ کوری، ۱۹۸۰م).

از طرف دیگر؛ مجموع تعهدات متفاوتی که در این قرارداد وجود دارد را نمی‌توان تنها به یک عقد معین نسبت داد زیرا این قرارداد عقدی مرکب از چند عقد معین و نامعین است، چنانچه این قرارداد را می‌توان به عقود ودیعهٔ جنین، هبهٔ منفعت (در مورد قرارداد رحم جایگزین نوع دوستانه)، اجارهٔ مادر جانشین (در نوع تجاری) قرارداد رضاع، بیع یا اهدای اسپرم، تخمک و جنین تجزیه کرد. البته اعتقاد به این امر که ماهیت قرارداد رحم جایگزین نوعی قرارداد خصوصی است،

به این معنا نیست که نمی‌توان از عقد صلح برای جانشینی در بارداری استفاده کرد. زیرا قبل از آن که اصل حاکمیت اراده به صورت م. ۱۰ ق.م در حقوق ما عینیت یابد، عقد صلح وسیله‌ای بوده که فقیهان برای احترام به اراده طرفین بدان تمسک می‌جسته‌اند. (صالحی، ۱۳۹۱)

در تعیین ماهیت این نوع قراردادهای مرکب و تعیین قواعدی که حاکم بر این قبیل قراردادها است بهتر است به تحلیل قصد مشترک و مبنای تراضی طرفین متعاقدین پرداخته شود. در فرضی که مجموع چند عمل حقوقی در عرف استقلال و شخصیت خاصی دارد و با یک قصد انشاء واقع می‌شود، چون قصد مشترک به کل نظر دارد، باید آنچه را واقع شده مستقل از اجزاء آن شمرد و در زمره عقود نامعین به شمار آورد. (کاتوزیان، ۱۳۸۵، ص ۳۱) وفق توضیحات اخیرالذکر به نظر می‌رسد مبرهن است که قرارداد رحم جایگزین نیز از قاعده مارالذکر مستثنی نیست.

النهایه این که حکومت جمهوری اسلامی ایران مستنداً به اصول دوم و سوم قانون اساسی به عنوان دولتی که اجازه در پیش گرفتن بی‌طرفی مطلق را ندارد- بر خلاف حکومت‌های لیبرال- و بلکه موظف است سعادت شهروندان را تا سرحد امکان تأمین نماید موظف است تا بر اساس تبّعات حقوق‌دانان و استشارات با طبیبان، نهاد حقوقی مقتضی و متناسب با رحم جایگزین را مهیا نماید تا از این طریق بتواند به توسعه، تعالی و قانون‌مند کردن فرآیند رحم جایگزین مبادرت نماید و از این طریق ناباروری تدریجاً از عداد دلایل طلاق کم رنگ و حذف شود. (گرچی، محمد نژاد داریانی، ۱۳۹۰، ص ۳۴)

تا توانی پا منه اندر فراق ابغض الاشیاء عندی الطلاق^{۱۳}

۲) قرارداد رحم جایگزین از منظر حقوق تطبیقی

ماهیت قرارداد رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی مختلف متفاوت است؛ مثلاً ماهیت این قرارداد در آمریکا، روسیه، هند، کانادا، استرالیا، انگلستان، آفریقای جنوبی و آرژانتین نوعی عقد خاص تلقی می‌شود در حالی که در کشورهای مثل سوئد، اسپانیا، فرانسه، آلمان، ترکیه و مصر این قبیل قراردادها را معمولاً غیر قانونی و ممنوع می‌دانند. (عباسی، ۱۳۹۰، ص ۱۵)

در ایالات متحده آمریکا برخی از ایالات این قرارداد را جرم و برخی دیگر آن را غیر معتبر می‌دانند. مثلاً در میشیگان جرم است در حالی که در ایندیانا و داکوتای شمالی و آریزونا قرارداد باطل محسوب می‌شود.^{۱۴} کشورهای عضو اتحادیه اروپا در این خصوص متفاوت عمل نموده‌اند. انگلستان و یونان در این خصوص صراحتاً قوانینی وضع نموده‌اند. مثلاً در انگلستان در سال ۱۹۸۵ قانون ترتیبات رحم جایگزین به تصویب رسیده است.^{۱۵} در بلژیک، قبرس، جمهوری چک، هلند، استونی، فنلاند، لتونی، لوگزامبورگ، مالت، پرتغال، اسپانیا، اسلواکی و رومانی قانون خاصی در این خصوص وجود ندارد اما روش‌های کمک باروری که می‌تواند منجر به رحم جایگزین شود مجاز دانسته شده است. در کانادا هم استفاده تجاری از رحم جایگزین ممنوع اعلام شده است. در هندوستان هیچ قانونی که بر فرآیند رحم جایگزین حکومت نماید وجود ندارد و همین امر سبب شده است تا این کشور طی چند سال اخیر تبدیل به یک مقصد مناسب و ارزان برای متقاضیان رحم جایگزین شود و در واقع مصداقی از توریست طبی به وجود آمده است. (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۲)

در نظام حقوقی فرانسه مستنداً به مواد ۷-۱۶^{۱۶} و ۹-۱۶^{۱۷} قانون مدنی این کشور انعقاد این قرارداد غیرقانونی است و وفق مواد ۱۵-۵۱۱^{۱۸} و ۲۴-۵۱۱^{۱۹} قانون

جزای این کشور نوعی جرم جنایی تلقی می‌شود و مرتکبین به هفت سال حبس ساده و صد هزار یورو جزای نقدی محکوم می‌شوند و در صورت عدم رعایت مفاد ماده ۲-۲۱۴۱ قانون بهداشت و سلامت عمومی^{۲۰} به ۵ سال حبس ساده و هفت هزار و پانصد یورو جزای نقدی محکوم خواهند شد. (عباسی، ۱۳۹۰، صص ۱۵-۱۶)

نتیجه و پیشنهادات

خروش العطش ما نتیجه طلب است و گرنه وادی الفت سراب تشنه لبی است^{۲۱}
قرارداد رحم جایگزین، تحت عناوین مختلفی از قبیل قرارداد رحم جایگزین، قرارداد مادر جانشین، قرارداد اجاره رحم، بارداری قراردادی و... مصطلح شده است که از نظر راقم این سطور، عنوان قرارداد رحم جایگزین ارجح است. تاکنون نسبت به جانشینی در بارداری از سوی مقنن ایرانی قانونی که اختصاصاً به این موضوع پرداخته باشد و چگونگی آن را تبیین و تبویب کرده باشد، به منصفه ظهور نرسیده است. با عنایت به مباحث آنف‌الذکر و اهمیت موضوع، شایسته است مقنن با وضع قوانینی این قرارداد را به یک نهاد حقوقی با مقررات و شرایط جامع و منطبق با مقتضیات جامعه و عدالت بدل نماید.

از لحاظ ماهیت، این قرارداد در قالب عقود معین مثل اجاره و عاریه توجیه‌پذیر نیست و بر اساس م. ۱۰ ق.م می‌تواند مقبول واقع شود، مع‌الوصف مبرهن است که تمام آثار قرارداد بر اساس اراده طرفین نمی‌تواند معین شود و بعضی از آثار قهری بر آن مترتب خواهد شد. مهم‌ترین این آثار، قرابت و نسب حاصل از قرارداد است که به صورت قهری و غیرارادی حاصل می‌شود. مضافاً بر این که این قرارداد بایستی علاوه بر شرایط عمومی قراردادها واجد شرایط خاصی باشد که تفصیل آنها از حوصله این مقاله خارج است. النهایه این که اعتقاد به این امر که ماهیت

قرارداد رحم جایگزین نوعی قرارداد خصوصی است، به معنای عدم استفاده از عقد صلح برای جانشینی در بارداری نیست.

پی‌نوشت‌ها

¹ - IVF technology allows fertilization to occur outside a woman's body. Eggs may originate from the woman who wishes to become pregnant or from a donor. Prior to egg retrieval, the donor undergoes several weeks of hormonal injections to produce multiple eggs in one cycle. A doctor then inserts a sonographically-guided needle through the vaginal wall to suction the eggs from the follicles (transvaginal oocyte removal, which involves light anesthesia.) The oocytes are fertilized in a Petri dish. About two days later, one or more viable pre-embryos are implanted in the uterus. Georgia Reproductive Specialists, In Vitro Fertilization (IVF-ET), <http://www.ivf.com/ivffaq.html> (last visited Aug. 18, 2008).

^۲ - اقبال لاهوری، جاوید نامه.

^۳ - جهت مزید اطلاع از دلایل طرفداران قرارداد رحم جایگزین از نوع تجاری در حقوق انگلستان ر.ک:

Brahams, Diana.(1987). *The hasty British ban on commercial surrogacy*. Hastings Center Report 17(1): 16-19, February.

^۴ - حضرت مولانا علیہ الرحمہ، مثنوی معنوی، دفتر سوم.

⁵ - Surrogacy.

^۶ - حضرت مولانا علیہ الرحمہ، مثنوی معنوی، دفتر چهارم.

^۷ - Surrogate از کلمه لاتین Surrogates آمده است که شکل اسم مفعول ایت و به معنای انتخاب برای جای گرفتن به جای چیزی یا کسی است که معنای جایگزین شده یا جایگزین دارد. فرهنگ پزشکی میربام به نقل از: شیرآقایی کوتنایی، نرجس؛ فانی صابری، لاله. (۱۳۹۰). *آیا بارداری است که جایگزین می‌شود یا مادر... آن را چه بنامیم؟*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان، ص ۹۶.

⁸- *Section 4. [Rights of Parentage.]* (1) the intended mother shall be the mother of the child for purposes of State law immediately upon the birth of the child; (2) the intended father shall be the father of the child for purposes of State law immediately upon the birth of the child; (4) parental rights shall vest in the intended parent or parents immediately upon the birth of the child. *The Gestational Surrogacy Act*, Submitted as: Illinois, Public Act 093-092, Status: Enacted into law in 2004.

^۹- جهت مزید اطلاع از انواع قراردادهای نمونه رحم جایگزین و شرایط آن در کانادا و کبک ر.ک:

Kasirer, Nicholas. (1985). *The surrogate motherhood agreement: a proposed standard form contract for Quebec*. *Revue de Droit, Université de Sherbrooke* 16(1): 351- 387.

^{۱۰}- حضرت حافظ علیه الرحمه، غزلیات.

^{۱۱}- حضرت مولانا علیه الرحمه، دیوان شمس، غزلیات.

^{۱۲}- پروین اعتصامی، دیوان اشعار، مثنویات، تمثیلات و مقطعات.

^{۱۳}- حضرت مولانا علیه الرحمه، مثنوی معنوی، دفتر دوم.

¹⁴ - Arkansas, California, and Massachusetts explicitly permit surrogacy contracts. Illinois permits only gestational surrogacy. New Jersey, Oregon, New Mexico, and Washington permit only uncompensated surrogacy agreements. o Arizona, Michigan, Louisiana, New York, North Dakota, Indiana, and the District of Columbia completely prohibit surrogacy. Nebraska prohibits surrogacy as well, but defines it as an arrangement for compensation. Florida, Nevada, Tennessee, Texas, Utah, Virginia and New Hampshire explicitly permit surrogacy, but restrict access to married couples only. Human Rights Campaign, *State Surrogacy Laws*, http://www.hrc.org/issues/parenting/surrogacy/surrogacy_laws.asp (last visited Aug. 18, 2008).

¹⁵- For more details see: Poote A, van den Akker OBA.(2009). *British women's attitudes to surrogacy*, Human reproductive, 24(1), 139 - 145.

¹⁶ -Article 16-7: "Toute convention portant sur la procréation ou la gestation pour le compte d'autrui est nulle."

¹⁷ -Article 16-9: "Les dispositions du présent chapitre sont d'ordre public."

¹⁸ - Section 3 : *De la protection de l'embryon humain. Article 511-15:* "Le fait d'obtenir des embryons humains contre un paiement, quelle qu'en soit la forme, est puni de sept ans d'emprisonnement et de 100000 euros d'amende. Est puni des mêmes peines le fait d'apporter son entremise pour favoriser l'obtention d'embryons humains contre un paiement, quelle qu'en soit la forme, ou de remettre à des tiers, à titre onéreux, des embryons humains."

¹⁹ - Article 511-24: "Le fait de procéder à des activités d'assistance médicale à la procréation à des fins autres que celles définies à l'article L. 2141-2 du code de la santé publique est puni de cinq ans d'emprisonnement et de 75000 euros d'amende."

²⁰ - Article L2141-2: " L'assistance médicale à la procréation est destinée à répondre à la demande parentale d'un couple. Elle a pour objet de remédier à l'infertilité dont le caractère pathologique a été médicalement diagnostiqué ou d'éviter la transmission à l'enfant ou à un membre du couple d'une maladie d'une particulière gravité. L'homme et la femme formant le couple doivent être vivants, en âge de procréer, mariés ou en mesure d'apporter la preuve d'une vie commune d'au moins deux ans et consentant préalablement au transfert des embryons ou à l'insémination. Font obstacle à l'insémination ou au transfert des embryons le décès d'un des membres du couple, le dépôt d'une requête en divorce ou en séparation de corps ou la cessation de la communauté de vie, ainsi que la révocation par écrit du consentement par l'homme ou la femme auprès du médecin chargé de mettre en oeuvre l'assistance médicale à la procréation.

فهرست منابع

الف: فارسی:

آذین، سید محمد. (۱۳۹۰). *تعهدات متقابل اطراف قرارداد حمل جایگزین ساده*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

آرامش، کیارش. (۱۳۹۰). *که نامی بهتر از اینت ندانم*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

آیتی، محمدرضا؛ راسخ، محمد. (۱۳۹۰). *نسب فرزند متولد از رحم جایگزین*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

پوررحیمی، محمد؛ مصدق، رحیم. (۱۳۹۰). *بیمه پوشش هزینه رحم جایگزین در درمان نازایی و ناباروری زوجین*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

جعفرزاده، میرقاسم. (۱۳۷۸). *وضعیت فقهی و حقوقی استفاده از رحم اجنبی جانشین یا «Surrogacy»*. بولتن تولید مثل و نازایی. پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی تولید مثل و نازایی جهاد دانشگاهی. شماره ۱۷.

جمعی از نویسندگان. (۱۳۸۶). *رحم جایگزین (مجموعه مقالات)*. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده ابن سینا و سمت.

ذاکر حسین، محمد هادی. (۱۳۹۰). *کرامت‌مندسازی فرآیند جایگزینی رحم*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

رحمانی منشادی، حمید. (۱۳۸۷). ماهیت حقوقی قرارداد رحم جایگزین. فصلنامه حقوق پزشکی. سال دوم. شماره چهارم. بهار ۸۷.

شیرآقایی کوتنایی، نرجس؛ فانی صابری، لاله. (۱۳۹۰). آیا بارداری است که جایگزین می‌شود یا مادر... آن را چه بنامیم؟، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

شیوا، مرضیه. (۱۳۹۰). بیان مسأله و ضرورت‌های مطلق و نسبی در رحم جایگزین، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

صالحی، حمیدرضا؛ فلاح، محمد رضا؛ عباسی، محمود. (۱۳۸۹). ماهیت تعهدات پزشکی در پرتو مطالعه تطبیقی، فصلنامه علمی _ پژوهشی حقوق پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۴، پاییز ۸۹، ۱۵۲-۱۳۱.

صالحی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). ماهیت تعهدات طبیب؛ مطالعه‌ای اجمالی در مذاهب اسلامی، فصلنامه علمی _ پژوهشی فقه پزشکی، سال دوم و سوم، شماره ۵ و ۶، زمستان ۸۹ و بهار ۹۰، ۵۵-۸۵.

صالحی، حمیدرضا؛ عباسی، محمود. (۱۳۹۰). ماهیت تعهدات پزشکی و جلوه‌های آن در پرتو مطالعه تطبیقی، فصلنامه علمی _ پژوهشی حقوق پزشکی، سال پنجم، شماره ۱۶، بهار ۹۰، ۳۹-۵۸.

صالحی، حمیدرضا. (۱۳۹۰). مفهوم تقصیر و تأثیر آن در مسؤولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان. پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. تهران: دانشگاه شاهد.

صالحی، حمیدرضا. (۱۳۹۰ الف). تتبعی در ماهیت حقوقی قراردادهای رحم جایگزین، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۰ب). قرارداد رحم جایگزین از منظر تقسیمات عقود، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۱). مسئولیت مدنی ناشی از فرآیند درمان. چاپ اول. تهران: انتشارات حقوقی.

صالحی، حمیدرضا؛ عباسی، محمود (۱۳۹۰الف). کرامت انسانی؛ فصل الخطاب اندیشه‌های دینی و تفکرات اخلاقی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۹۰، ۳۹-۷۸.

صالحی، حمیدرضا؛ الماسی، نجادعلی (۱۳۹۰). ماهیت حقوقی قراردادهای درمان. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی تهران. نوبت چاپ.

طباطبائی، مهشید سادات (۱۳۹۰). مطالعه تطبیقی رحم جایگزین در نظام‌های حقوقی، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

عباسی، محمود (۱۳۹۰). ماهیت حقوقی قراردادهای رحم جایگزین در پرتو مطالعه تطبیقی، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). *توالد بدون عشق*. توجیه و نقد رویه قضایی. چاپ اول. نشر میزان.

کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۸). دوره عقود معین. چاپ هفتم. شرکت سهامی انتشار.

گرچی، علی اکبر؛ محمد نژاد داریانی، علی رضا (۱۳۹۰). رحم جایگزین از منظر حقوق عمومی، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

نایب زاده، عباس (۱۳۸۰). بررسی حقوقی روش‌های نوین باروری مصنوعی. چاپ اول. انتشارات

مجدد.

نظری توکلی، سعید؛ کراچیان ثانی، فاطمه. (۱۳۹۰). *سود گرایی اخلاقی و بررسی روایی استفاده از رحم جایگزین بر اساس آن*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

و ثوق، احمد؛ ایزدیار، نسرین؛ احمدی، زهرا. (۱۳۹۰). *گزارش عملکرد مرکز درمان ناباروری رویان در موضوع رحم جایگزین*، چکیده مقالات کنگره سالیانه اخلاق و حقوق باروری، چالش‌ها و راهکارهای رحم جایگزین، تهران: ۱۴-۱۶ دی ماه، پژوهشگاه رویان.

ب: عربی:

الجمیلی، اسعد عبید. (۱۴۳۰). *الخطاء فی المسؤولیه الطبیه المدنیه*. الطبعة الاولى. عمان: دارالثقافه للنشر و التوزیع.

حمزه، هانی. (۲۰۰۱). *اجاره الأرحام بین الشریعه و القانون*. بیروت: لبنان، جامعه بیروت العربیه.

الخیاری، احمد حسن. (۱۴۲۹). *المسؤولیه المدنیه للطیب*. الطبعة الاولى. عمان: دارالثقافه للنشر والتوزیع.

عبدالرحیم مهران، سید محمود. (۲۰۰۲). *الأحكام الشرعیه و القانونیه للتدخل فی عوامل الوراثة و التكاثر*.

ج: انگلیسی:

Holder, Angela R. (1984). *Surrogate motherhood: babies for fun and profit*. Law, Medicine, and Health Care 12(3): 115-117, June.

Gersz, Steven R. (1984). *The contract in surrogate motherhood: a review of the issues*. Law, Medicine, and Health Care 12(3): 107-114, June.

Davis, Joseph H.; Brown, Dirck W. (1984). *Artificial insemination by donor (AID) and the use of surrogate mothers: social and psychological impact*. Western Journal of Medicine 141(1): 127-

130, July.

Brahams, Diana.(1987). *The hasty British ban on commercial surrogacy*. Hastings Center Report 17(1): 16-19, February.

Kasirer, Nicholas.(1985). *The surrogate motherhood agreement: a proposed standard form contract for Quebec*. Revue de Droit, Université de Sherbrooke 16(1): 351- 387.

Parker, Philip J.(1983). *Motivation of surrogate mothers: initial findings*. American Journal of Psychiatry 140(1): 117-118, January.

Banerjee, S and Basu, S. (2008). *Rent a Womb: Surrogate Selection, Investment Incentives and Contracting*, Forthcoming Journal of Economic Behaviour and Organization .

Georgia Reproductive Specialists, In Vitro Fertilization (IVF-ET), <http://www.ivf.com/ivffaq.html> (last visited Aug. 18, 2011).

Human Rights Campaign, State Surrogacy Laws, http://www.hrc.org/issues/parenting/surrogacy/surrogacy_1aws.asp (last visited Aug. 18, 2011).

Poote A, van den Akker OBA.(2009). *British women's attitudes to surrogacy*, Human reproductive, 24(1), 139 – 145.

Salehi, Hamid Reza. (2013). *Human Dignity From the Viewpoint of Iranian Law*, Journal of Bioethical Inquiry, Volume 10, Issue 2, June, 135-136. DOI: 10.1007/s11673-013-9437-8.

Abbasi Mahmoud, Salehi Hamid Reza. (2012). *Human Dignity; the Final Word on the Religious Ideas and Moral Thinking*, Iranian Journal of Medical Ethics, Vol 1, Issue 1, 16-36.

Abbasi Mahmoud, Salehi Hamid Reza, Mashayekhi Bahram. (2011). *The Nature of Medical Obligations in the Light of Comparative Study*, Iranian Journal of Medical Law 2011; 1(2):7-24.

Stainsby, M. (1993). *The Surrogacy Debate Again: What About Altruistic Surrogacy?* St. Vincent's Bioethics Centre Newsletter, 11(2), 5- 6.

Stuhmcke, A. (1995). *For Love or Money: The Legal Regulation of Surrogate Motherhood*, Murdoch University Electronic Journal of Law, 2 (3).

The Gestational Surrogacy Act, Submitted as: Illinois, Public Act 093-092, Status: Enacted into law in 2004.

د: فرانسوی:

Bernardot, Alain et Kauri, Robert .(1980). *La responsabilité civile médicale*. Sherbrooke: Édition R.D.U.S.

Code civil français, Dernière modification du texte le 01 avril 2011 - Document généré le 20 avril 2011 Legifrance.

Code de la santé publique français, Partie législative, Dernière modification du texte le 01 janvier 2010 - Document généré le 22 avril 2011 - 2007-2008 Legifrance.

Code penal français, Dernière modification du texte le 01 avril 2011 - Document généré le 20 avril 2011 - 2007-2008 Legifrance.

Mémeteau, Gérard .(2001). *Cours de droit médical*. Les études Hospitalières. Bordeaux: Édition 38.

یادداشت شناسه‌ی مؤلف

حمیدرضا صالحی: پژوهشگر مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

نشانی الکترونیکی: Salehi_hamid1202@yahoo.com

تاریخ وصول مقاله: ۱۳۹۱/۵/۲۲

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۱/۸/۳